

# روزنامه نگاری حرفه‌ای

• مانا لقمانی



• دیوید رندال، روزنامه نگاری حرفه‌ای، ترجمه علی اکبر قاضی زاده، چاپ اول، ۱۳۸۲، تهران: انتشاراتی روزنامه ایران، ۴۴۰ صفحه.

«دیوید رندال» سال‌ها روزنامه‌نگار و دبیر روزنامه‌های مهم انگلستان بود و هنوز هم محیط تحریریه‌ها را ترک نگفته است؛ اما از اوایل دهه ۹۰ قرن بیستم مجموعه مطالعه‌ها و تجربه‌های خود را به صورت سخنرانی، تدریس و کتاب در اختیار جهان روزنامه‌نگاری می‌گذارد.

وی روزنامه‌نگاری را پس از پایان تحصیل از ساده‌ترین سطح آغاز کرد و کم‌کم مسیر ترقی را تا سردبیری مجله‌ها و روزنامه‌های معتبر انگلستان پیمود و همزمان به آموزش مباحث پایه در روزنامه‌نگاری عملی پرداخت و اکنون علاوه بر مسئولیت‌های حرفه‌ای، به تدریس روزنامه‌نگاری در داخل و خارج از انگلستان مشغول است.

این کتاب در پانزده فصل (۴۴۰ صفحه) تدوین و توسط علی اکبر قاضی‌زاده (روزنامه‌نگار و استاد دانشگاه) به فارسی برگردانده شده است. علی اکبر قاضی‌زاده کتاب‌های بسیاری از جمله کتاب ویراستاری و مدیریت اخبار را در زمینه روزنامه‌نگاری تألیف و ترجمه کرده که به وسیله مؤسسه انتشاراتی ایران به طبع رسیده است.

ویژگی مهم کتاب در این است که نویسنده با این علم و حرفه، از طریق نشستن در کلاس‌ها و مطالعه کتاب‌ها آشنا نشده است.

رندال مستقیم از درون محیط تحریریه و برای اهل تحریریه، در همه رسانه‌های دنیا حرف می‌زند. زبان استدلال و منطق او از درون این حرفه سرچشمه می‌گیرد؛ این زبان حرفه‌ای، انبوهی از نمونه‌ها و کارهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاران موفق و غیرموفق می‌باشد که همراه با مشکلی از طنز نوشتاری که خاص محافل روزنامه‌نگاری است، از ویژگی‌های بااهمیت کتاب محسوب می‌شود.

امتیاز کتاب حاضر در قلم آزاد و گیرای نویسنده و نیز ارائه نمونه‌های برجسته از کارهای حرفه‌ای روزنامه‌نگاران نامدار است.

دیوید رندال معتقد است، تقسیم‌بندی روزنامه‌نگاری به غربی و شرقی، چپ و راست، توسعه یافته و نایافته و غیره بی‌معناست. از نظر او تنها یک روزنامه‌نگاری درست وجود دارد و آن از عهده «روزنامه‌نگاری جهانی» (گویا عنوان لاتین کتاب نیز همین است) ساخته است. آن طور که از مقدمه کتاب (به قلم علی اکبر قاضی‌زاده) برمی‌آید، زیرنویس‌ها افزوده‌هایی بر برخی از فصل‌ها یا توضیحاتی برای ساده‌تر کردن فهم مطالب و نمونه‌ها یا یادآوری‌هایی از روزنامه‌نگاری در داخل کشور ایران است که همگی از مترجم است.

در این کتاب مطالب گوناگونی درباره روزنامه‌نگاری حرفه‌ای، اخلاق روزنامه‌نگاری، محدودیت‌های حرفه‌ای، گزارش‌پیگیرانه، فناوری و فردای روزنامه‌نگاری به چشم می‌خورد.

بی‌تردید برای خواننده علاقه‌مند به روزنامه‌نگاری جالب خواهد بود که اطلاعات بیشتری درباره تحریریه، روزنامه و مسایل مربوط به آن به دست آورد.

فصل اول کتاب به روزنامه‌نگاری حرفه‌ای می‌پردازد و در این بررسی حرفه‌ی روزنامه‌نگاری را به لیبرال و جمهوری خواه، ملی‌گرا، اصلاح طلب و مانند آنها تقسیم‌بندی می‌کند.

به اعتقاد رندال، روزنامه بد یا خوب درون مرزهای جغرافیایی محدود نمی‌ماند و ممکن است به هر زبانی و در هر مکانی انتشار یابد. به راستی که روزنامه‌نگاری به هیچ وجه مرزی به خود نمی‌شناسد و چه بجا گفته‌اند که روزنامه همان کاغذ بالدار است!

در واقع چنین برداشت می‌شود که سرزمین اهمیت نداشته و تنها روزنامه‌نگاری بد و خوب را می‌شود تشخیص داد، زیرا که مشکلاتی چون نادرستی دولتمردان، رشوه، فساد و... عمومی است و در همه‌ی کشورها وجود دارد و در روزنامه‌نگاری حرفه‌ای چگونه مطرح کردن آنهاست که اهمیت دارد.

از نظر رندال، یک روزنامه‌نگار خوب هر جا و در هر شرایطی که کار کند، در یک مسیر می‌کوشد: «کسب آگاهی‌های درست و عینی، رعایت صداقت در تأثیرگذاری، تنها در خدمت واقعیت مطلق بودن و روشن نوشتن برای مخاطبی که ممکن است در هر جا باشد.»

او ویژگی‌های یک روزنامه‌نگار خوب و موفق را مورد بررسی قرار می‌دهد؛ و سپس به تشریح مطالبی درباره‌ی اهمیت گزارش و گزارشگری، سیاست‌های خبری، حکومت‌های توتالیتر، مقتدر و دموکرات می‌پردازد. فصل دوم درباره‌ی محدودیت‌های حرفه‌ای در روزنامه‌نگاری است. نویسنده این محدودیت‌ها را زمانی و مکانی (شرایط اجتماعی، سیاسی و...) می‌داند و علاوه بر اینها، لغزش‌ها و نادرستی‌ها را نیز به این عوامل می‌افزاید. مدیران و صاحبان روزنامه‌ها هم گاه به این امر دامن زده و حتی دیده شده که یک روزنامه جرقه‌های نخستین یک جنگ بزرگ را روشن کرده است.

بنابراین نقش مدیران روزنامه‌ها در جهت دهی به کارخبرنگاران و اطلاع‌رسانی نادیده گرفته نشده است.

در ادامه فصل مباحثی درباره‌ی فرهنگ روزنامه‌نگاری گنجانده شده است و شامل بخشی از هنجارهاست که در حین کار به تدریج کارکنان به رعایت آنها عادت کرده‌اند و به تدریج به صورت یک فرهنگ و الگوی کار تبدیل شده است و سینه به سینه به آیندگان انتقال می‌یابد.

رندال در این فصل خواست مخاطبان را نیز در نظر می‌گیرد و معتقد است که جلب رضایت آنان نقش مهمی در موفقیت یک نشریه دارد؛ اما این موضوع هم محدودیت‌های دیگری برای روزنامه و کارکنانش پدید می‌آورد. وی این محدودیت‌ها را از جنبه‌های گوناگون بررسی کرده، سپس درباره‌ی مهارت‌ها و استانداردهای پایه می‌گوید و برای آنها چندین نمونه پرمحتوا می‌آورد.

در فصل سوم کتاب، بحث از سازه‌های خبری است که با جمله‌ای از «برنارد شاو» آغاز می‌شود. در ادامه خبر، عناصر خبری را معرفی می‌کند و تعریف‌های گوناگون از خبر را با یکدیگر قیاس کرده و ضمن آن عناصر و ارزش‌های خبری را توصیف می‌کند. در پایان نیز درباره‌ی خبرهایی که بیشتر جلب مخاطب می‌کند، شرح مفصلی می‌دهد.

در فصل چهارم ویژگی‌های گزارشگر توانمند و وسایل و مهارت‌های لازم را توضیح می‌دهد و آن را مهم‌ترین ابزار کار یک خبرنگار و اندیشه‌های او می‌داند.

عنوان فصل پنجم پرسش است؛ پرسش‌های عجیب و غریبی که غالباً خبرنگاران از اشخاص می‌پرسند. پرسش‌ها اساس کارخبرنگاران هستند. در این فصل در واقع چگونگی شرایط یک مصاحبه مطرح می‌شود و به خبرنگاران می‌آموزد چگونه هنگام مصاحبه با سنجگیران و آنان که عادت به برخورد با رسانه‌ها ندارند، برخورد کنند و در قبال آنها چه وظایفی دارند. در پایان فصل نیز عنوانی به نام افزوده‌هایی بر متن به وسیله‌ی مترجم افزوده شده است که تا حدودی به نقد مطالب گفته شده در این مبحث می‌پردازد که بسیار بجا و درست است.

در فصل ششم به اهمیت منابع خبری و چگونگی دسترسی به آنها پرداخته می‌شود. درباره‌ی زیربنای تحقیق و منابع مشکوک هم به تفصیل توضیحاتی آمده و مطالبی درباره‌ی گزارشگری تخصصی آموزش داده می‌شود.

در فصل هشتم به چند عنوان گزارش پیگیرانه، ویژگی‌ها و چگونگی پرداختن به آن اشاره مفصلی دارد. در پایان نیز عنوانی با مضمون «روزنامه‌نگاری هنر پیشگی» که نمونه‌ای از تغییر هویت یک روزنامه‌نگار آلمانی برای پیشبرد اهداف شغلی‌اش است، آورده می‌شود. هم‌چنین در ابتدای فصل، قسمت گفته‌های پیشین در تعریفی، اخلاق را نفی کرده و همه‌ی آنها را در یک سوءتفاهم تاریخی می‌داند!

رندال معتقد است که اخلاق برای روزنامه نکاتی آموختنی دارد و مهم‌ترین و ایمن‌ترین راه برای پرداختن به کار روزنامه‌نگاری است که اگر رعایت شوند، صرف نظر از اینکه روزنامه‌نگار چه روحیه‌ای داشته باشد و برای کدام روزنامه کار کند، موفقیت‌آمیز خواهد بود. سپس راهکارهای اصلی در این راستا نشان داده و توصیه‌هایی می‌کند که خواندن و دقت بر آنها خالی از لطف نیست.

در فصل نهم رندال به ما می‌گوید که چگونه برای روزنامه بنویسیم و کلاً تفاوت نوشتن برای روزنامه با سایر کارهای ادبی چیست. در این رابطه افراد باید بدانند که حرفه‌ی روزنامه‌نگاری با نویسندگی ادبی تفاوت بسیاری دارد. یک نویسنده ادبی لزوماً یک روزنامه‌نگار خوب نیست اما می‌تواند باشد. در عین حال هم بین روزنامه‌نگاری و سایر هنرهای ادبیاتی رابطه‌ای وجود دارد.

دو چندان کرده است.

در متن کتاب برخلاف برخی از کتاب‌ها که بعضاً مملو از نادرستی‌های چاپی هستند، به جز یک مورد (فصل چهارم ویژگی‌های گزارشگر توانمند، صفحه ۱۰۳ انتهای پاراگراف دوم کلمه «دایی لاما» به جای «دالایی لاما» به کار رفته است.) دیگر موردی به چشم نمی‌خورد و این خود حسنی است برای یک اثر.

از ویژگی‌های برجسته کتاب البته در ترجمه آن می‌توان به آوردن به موقع زیرنویس‌ها و معادل‌های لاتین برای واژه‌های «فارسی شده» اشاره کرد.

کتاب در مقایسه با آثار مشابهی مانند: قدرت‌های جهان اثر مارتین واکر، ترجمه محمد قائد شرفی، نیروی پیام اثر ژان لویی سروان شرایبر، ترجمه سروش حبیبی، روزنامه‌نگاری در عصر الکترونیک اثر دکتر مارتین ال گبسن، ترجمه سید محسن تقوی، برتری خاصی ندارد؛ اما نکات تازه‌ای در آن گفته می‌شود که شاید در این آثار کمتر به چشم می‌خورد.

در این اثر، دلبستگی و دفاع دیوید رندال از رسانه‌های نوشتاری هم جالب است و هم ستودنی. باید دانست که با سیر ناگزیر اندیشه و علم نمی‌توان مبارزه کرد و فردا از آن کسانی است که امروز بیشتر کار و اندیشه می‌کنند. آنچه همواره اهمیت دارد اینکه رسانه‌ها اگر بخواهند در انجام رسالتشان موفق باشند و آن را به درستی به انجام برسانند، همواره باید از جامعه گام یا گام‌هایی فراتر باشند؛ در غیر این صورت نمی‌توانند به خوبی بر افکار عمومی تأثیر بگذارند و در نتیجه روند رو به رشد جامعه به کندی پیش خواهد رفت.

نکته دیگر آنکه، آنچه در کتاب آمده اندکی گرفتار کلیشه شده و در عمل کمتر کاربرد دارد، زیرا نمی‌توان آنها را در همه کشورهای دنیابه ویژه ایران که بعضاً امروزه روزنامه‌نگاری‌اش سبک خاص خود را دارد، تعمیم داد. یک دانشجوی روزنامه‌نگاری در ایران، کتاب‌ها و مقالاتی از این دست بسیار مطالعه کرده است؛ اما هنگامی که به طور جدی وارد این حرفه می‌شود، در تحریریه‌ها و... چیزهایی را تجربه می‌کند که هرگز نه در این کتاب‌ها اشاره‌ای بدان‌ها شده و نه در زمان تحصیل با آنها مواجه شده است. در واقع می‌توان گفت که دیوید رندال در کتاب خود نقش آموزش‌های میدانی را نادیده انگاشته و با اینکه خود وی بیشترین آموزش را در حین کار دیده و تجربیات خویش را بیشتر از این راه به دست آورده، به آموزش‌های میدانی توجه کمتری می‌کند.

به هر روی صرف‌نظر از این مسأله خواندن آن برای داشتن اطلاعات عمومی بیشتر بسیار مفید بوده و خالی از لطف نیست.

در این فصل رندال می‌آموزد که چگونه در متنی که برای روزنامه نوشته می‌شود عناصر ادبی، طنز و جدیت، نشانه‌های نگارشی را به کار بریم.

با مطالعه و تأمل در فصل دهم، خواننده در می‌یابد که اگر گزارش یا خبری می‌نویسد چگونه ورود به آن را تنظیم کند و نقش ورودی خبر و گزارش چیست. (باید توجه داشت که ورودی خبر و گزارش با هم اندکی تفاوت دارد).

سیس به توضیح درباره انواع ورودها برای خبرها و نیز قوانینی که به طور عمومی باید در این باره در نظر گرفته شود، می‌پردازد.

در آغاز فصل یازدهم بحث از ساختار خوب یک خبر، وصف و نکات مربوط به آن است که مفصلاً توضیح داده می‌شود.

در فصل دوازدهم رندال روزنامه‌نگاری را در طبیعت خود یک کوشش ذهنی می‌داند. او درباره چگونگی وارد شدن نظر شخصی در خبر و مستند کردن نقل قول‌ها مطلبی را بیان می‌کند. رندال معتقد است که توضیح جزء به جزء از نظر شخصی یا موضع سیاسی یک نفر، معمولاً در روزنامه مشکل‌آفرین است. برای همین خبرنگار باید بداند این واژه‌ها را از سوی چه کسی به کار می‌برد. (مقصود واژه‌هایی چون چپ‌گرا، راست‌گرا، افراطی و... است که نباید نابجا به کار رود و گرنه تولید دردمس می‌کند) کاربرد این عناوین بستگی به ترجیح و موضع خبرنگار هم دارد، حال ناخودآگاه یا خودآگاه.

در این فصل مطالبی نیز درباره نوشته‌های بزرگان، سرمقاله نوشتن، ستون‌نویسان و نقد به تفصیل گفته شده است.

در فصل سیزدهم درباره نقش مدیر خبر، چگونگی برخورد خبری با فاجعه‌ها، رقابت‌ها، گزارش‌های تکمیلی و تصحیح به تفصیل بحث شده است.

فصل چهاردهم ضمن تعریف داستانی از «جیمز گوردون بنت‌پسر» ناشر روزنامه اینترنشنال هرالد تریبیون به بررسی عمل کردن به اصول مدیریت می‌پردازد و با توضیحات خود اهمیت نقش مدیریت را نشان می‌دهد.

رندال عنوان فصل پانزدهم کتاب را که در واقع پایان بخش آن نیز هست، «فناوری و فردای روزنامه‌نگاری» برگزیده و بر این اعتقاد است که روزنامه‌ها باید به روز و همراه با فناوری‌های روز شوند که در این راه کوشش‌های هوشمندانه برای پویایی آن بسیار ضروری است.

\* \* \*

کتاب حاضر شاید یکی از نگاه‌های خوب در زمینه روزنامه‌نگاری باشد؛ به ویژه ترجمه روان و قابل فهم آقای علی‌اکبر قاضی ارزش آن را